گزارش

پایان «ماه عسل» بهارستان و پاستور

ادامه از صفحه ۳/ اما حالا تذکرات مجلس نه‌فقط وزرای دولت سیزدهم بلکه در موارد‌ی حتی شخص ابراهیم رئیسی را نشانه رفته و انتقادهای رسمی و غیررسمی به رئیس‌جمهور را افزایش داده است. افزایشی که از یک‌سو، بازتاب فشار انتقادی مردم حوزه‌های انتخابیه به نمایندگان برای مقابله با وخامت اوضاع به‌ویژه در بخش اقتصاد و معیشت است و از سوی دیگر، در صف‌بندی‌های سیاسی و مطالبات فردی/ گروهی بهارستان‌نشینان ریشه دارد و البته تا کارآمدی وزرای رئیسی هم مزید بر علت شده تا طیفی از نمایندگان، فارغ از انگیزه‌های سیاسی و از زاویه کارشناسی، منتقد وضعیت نابسامان و بدون چشم‌انداز روشن کنونی شوند. براین اساس، تذکراتی که در ابتدا فقط اعضای کابینه را هدف گرفته بود، با گذر زمان حتی رئیس کابینه را هم بی‌نصیب نگذاشته است. طبق گفته حسینی معاون پارلمانی دولت با شروع دولت سیزدهم تاکنون ۵۷۷ مورد معاونان پارلمانی و مدیران کل امور مجلس وزارتخانه‌ها در محل مجلس، حاضر و پاسخ‌گوی سؤالات برشمار بهارستانی‌ها بوده‌اند. همچنین اعضای کابینه دولت، ۷۹۶ مورد با نمایندگان در محل مجلس ملاقات داشته و درباره عملکرد خود و انتقادهای موجود توضیح داده‌اند. و ۸۷۰ بار نیز نمایندگان در محل وزارتخانه‌ها و دستگاه‌های دولتی با وزرا برای پیگیری امور دیدار داشته‌اند.

پاشنه آشیل دولت در بهارستان

بیش‌ترین انتقادهای مجلسی‌ها از دولت معطوف به تیم اقتصادی رئیسی است. وزیر اقتصاد و رفاه و صمت، زیر ضرب نمایندگان مجلس هستند. هر چند که انتقاد به تیم اقتصادی دولت، به سمت رئیسی هم روانه شده است. از سوی دیگر معاون اول رئیس‌جمهور و رئیس سازمان برنامه‌وبودجه هم متأثر از فضای این روزهای مجلس برای بودجه ۱۴۰۰ در معرض انتقاد نمایندگان قرار دارند. دولت با وعده اصلاحات ساختاری بودجه، روی کار آمده اما شماری از نمایندگان، کلیت لایحه بودجه تقدیمی را غیرکارشناسی می‌دانند. البته برآوردهای کارشناسی، پیامد تصویب و اجرای این بودجه را بسیار فراتر از ۸ درصد پذیرفته‌شده از سوی دولتی‌ها می‌دانند. اغلب نمایندگان مجلس هم معتقدند افزایش قیمت کالاها جهتی خواهد بود. ابراهیم رئیسی روز یکشنبه آینده برای دفاع از لایحه باید بهارستان برود اما بسیاری از نمایندگان مجلس نگران هستند تا حمایت آن‌ها از لایحه بودجه که آثار تورمی دارد، مسئولیت آن‌ها در برابر مردم سنگین کرده و سهم مجلس را از گرانی کالاهای اساسی افزایش دهد. نگرانی که در افزایش تذکرات به دولت نمایان شده است.

طلاق عاطفی جدی است؟

واقعیت‌هایی همچون ضعف اعتماد عمومی، کسری بودجه و تحریم‌ها، شکننده بودن رأی و اعتماد مردم به دولت و مجلس، از مهم‌ترین مؤلفه‌های مهم است که دولت در سیاست‌های اخیر خود متأثر از آن نظرات متفاوتی داده است. حالا مشخص نیست رئیسی در برابر حجم زیاد مطالبات نمایندگان بهارستان و تضاد موجود بین آنچه او در زمان تبلیغات انتخاباتی وعده می‌داده و آنچه اکنون در واقعیت اقتصاد و سیاست خارجی با آن مواجه است، چه واکنشی خواهد داشت؟ هرچند، همسویی سیاسی پاستور نشینان و بهارستان‌نشینان، فرض تقابل تند آنان با یکدیگر را دشوار می‌سازد اما ناکامی احتمالی دولت در جلب نظر مثبت مجلس به کارنامه کابینه به‌ویژه در حوزه اقتصاد و معیشت و سایر مطالبات شخصی- گروهی نمایندگان، می‌تواند روند انتقادها و شکاف موجود را جهتی کرده و طلاق عاطفی جدی بهارستان و پاستور را از احتمال به واقعیت تغییر دهد.

دیدگاه

سیل‌های دمادم ببر دنیاهامان!

ادامه از صفحه اول/ جه حجم عظیمی از کار و تلاش و نیروی انسانی و ابزار مدرن را لازم دارد و مسئولان تاچه حد باید اعتبارات لازم راتامین ومدیریت برخرید وسایل، آموزش نیروی انسانی ومطالعه و اجرای پروژه‌های مورد اشاره رادر دستور کار خود قرارد‌هند. اگر موارد گفته شده صحیح هستند و هراسان مسئول وعلاقه‌مند به مردم و کشور به آنها حکم می‌کند باید مقدمات سیاسی و اجتماعی این آماده سازی‌های حیاتی فراهم شود. با اشتغال به انواع تشنج‌های داخلی وخارجی مسلما حتی نسبتی از این آمادگی‌ها را نمی‌توانیم به‌دست آوریم و رسما باید خود رادرمقابل سیل و زلزله و خشکسالی و آتش‌سوزی جنگل‌ها بی‌دفاع بدانیم. اکنون که حاکمیت یکدست به‌وجود آمده است و درساختارسیاسی تراحمی درکارهای دولت نیست انتظار می‌رود که قوای سه‌گانه وکل حاکمیت به این امور ضروری و اتیه حیاتی مجداانه بپردازند و طی چند سال آتی بیلان کاری خود در زمینه سیستم دفاعی کشور در برابر بلایای طبیعی رابه مردم گزارش دهند. به‌صورت طبیعی هدف همه قوا جلوگیری از وارد آمدن خسارت به مردم وکشور از سوی هرعامل انسانی وطبیعی داخلی وخارجی است و باید برای آن برنامه مدون وآمادگی همه جانبه داشت. چه بسیارکه سیل یا زلزله یا بیماری یا آتش‌سوزی ازیک درگیری نظامی خسارتبارتر بوده است واگر می‌شود با اقدامات وتدابیر سیاسی از وقوع جنگ جلوگیری کرد بسیاری ازبلایای طبیعی خبر نمی‌کنند و اغلب امکان جلوگیری از وقوعشان وجود ندارد. اگرخطرهای حتمی وقطعی را نشناسیم وآمادگی‌های ضروری را ایجاد نکنیم سیل‌های بلا دمادم ازهرطرف ببرد بنیادمان وضعف و سستی و قفرمفرط بیمرامونمان را فرا خواهدگرفت.

عکس: آرمان ملی / فاطمه فتاحی

بهمن آرمان در گفت‌وگو با «آرمان ملی»:

منابع ارزی- صنایع استراتژیک درحال نابودی؛ دشمن همین جاست

مراقب تورم مضاعف ناشی از یارانه بنزین باشید

پرداخت یارانه بنزین به اقشار پایین جامعه کمک نمی کند

افزایش قیمت بنزین می تواند کسری بودجه دولت را تأمین کند

نباید کاری کرد که ادامه زندگی برای مردم سخت‌تر شود

آرمان ملی- احسان انصاری: چرا دولت قصد دارد به همه مردم ایران یارانه بنزین بدهد و این طرح چه چالش‌ها و فرصت‌هایی را به وجود می‌آورد؟ برای پاسخ به این سؤال «آرمان ملی» با دکتر بهمن آرمان اقتصاددان گفت‌وگو کرده است. دکتر آرمان معتقد است: «در حدود ۶۰ درصد میزان بنزین مصرفی مردم به صورت آزاد است و شامل حال طبقاتی می‌شود که بیش از یک اتومبیل دارند. من مواردی را مشاهده کرده‌ام که برخی خودروهای بزرگ حتی تا ۸۰ لیتر بنزین به‌صورت آزاد می‌زنند تا باک خود را پر کنند. پس‌ازاینکه بنزین زده شد صاحب خودرو علاوه‌بااینکه مبلغ ۲۴۰ هزار تومان مابه‌ازای بنزین پرداخت می‌کند ۲۰ هزار تومان نیز انعام به کارگر پمپ‌بنزین پرداخت می‌کند. درنتیجه یارانه‌ای که در این زمینه پرداخت می‌شود نه‌تنها نصیب اقشار پایین جامعه نمی‌شود و بلکه تورم مضاعفی رانیز به آنها تحمیل می‌کند. درنتیجه دولت نه‌تنها به‌واسطه این سیاست درآمد چندانی به دست نمی‌آورد و بلکه اقشار پایین جامعه به دلیل تزریق اسکناس با فشارهای بیشتری مواجه می‌شوند وزندگی برای این افراد غیرقابل ادامه خواهد شد. برخی جریان‌های سیاسی که دشمن واقعی توسعه صنعتی کشور هستند نیز ازاین وضعیت سوءاستفاده می‌کنند. جریان‌هایی که به نظر من از خارج از ایران هدایت می‌شوند تلاش کرده قیمت گاز طبیعی برای صنایع پتروشیمی که عملاً توانسته کمبود صادرات نفت ایران را جبران کند به ۸ سنت در هر دلار افزایش داده‌اند. این در حالی است که کشورهای حاشیه خلیج‌فارس و به‌خصوص عربستان سعودی بـــرای جذب سرمایه خارجی و ایجاد اطمینان در بین سرمایه‌گذاران قیمت را برای ۲۰ سال ثابت نگه‌داشته است. بر اساس مطالعات اخیر میزان ذخایر گازی ایران حتی از روسیه نیز بیشتر است که این وضعیت ذخایر گاز ایران را از حالت نسبی به مزیت مطلق تغییر داده است. دومین صنعتی که موفق شده کمبود صادرات نفت را جبران کند صنعت فولاد است که دومین منبع تأمین ارزی ایران است. با این وجود برخی تلاش می‌کنند اتفاقی که برای صنعت پتروشیمی رخ داد و مانع سرمایه‌گذاری داخلی و خارجی در این صنعت شد و درنهایت قیمت هر مترمکعب گاز طبیعی در ایران برای صنایع پتروشیمی را سه و نیم برابر منطقه خلیج‌فارس و شمال آفریقا کرد را درباره صنعت فولاد نیز دنبال کنند. توجیه این افراد نیز این است که قیمت گاز طبیعی ایران باید متناسب با گاز طبیعی در اروپا باشد. این اتفاق در حالی رخ می‌دهد که در مرحله نخست در اروپا منابع گاز قابل توجهی وجود ندارد و از سوی دیگر تولید فولاد در اروپا برمبنای استفاده از زغال‌سنگ است. در منطقه خلیج‌فارس و ایران تولید فولاد برمبنای گاز طبیعی صورت می‌گیرد. درنتیجه قیمت گاز طبیعی را برای صنایع فولاد و آلومینیوم، سیمان و کاشی که ازجمله کالاهای صادراتی ما هستند به‌اندازه‌ای افزایش دادند که عملاً سرمایه‌گذاری در این صنایع استراتژیک توجیه اقتصادی نداشته باشد. اقداماتی که درباره حامل‌های انرژی در ایران در حال رخ دادن است و افزایش شدید قیمت گاز طبیعی را از روی ناآگاهی نمی‌دانم و بلکه معتقدم این رویکرد نوعی توطئه علیه صنایع استراتژیک ایران است.

به چه دلیل و اهدافی این توطئه در حال رخ دادن است؟

اقداماتی که درباره حامل‌های انرژی در ایران آنکه در حال رخ دادن است و افزایش شدید قیمت گاز طبیعی را از روی ناآگاهی نمی‌دانم، بلکه معتقدم این رویکرد نوعی توطئه علیه صنایع استراتژیک ایران است

دولت قصد دارد یارانه بنزین را به همه افراد جامعه بدهد و برنامه‌ریزی‌ها بی نیز در این زمینه صورت گرفته است. به نظر شما مهم‌ترین هدف دولت از این اقدام چیست؟

مشاوران تیم اقتصادی آقای رئیسی به این نتیجه رسیده‌اند که افزایش نرخ تورم در ایران و کوچک شدن سفره مردم متأثر از یارانه‌های پنهان است. دولت به دلیل اینکه از درآمدهای نفتی محروم شده، به این واقعیت رسیده که چاپ اسکناس به‌همنظور تأمین کسری بودجه دولت برای پایین نگاه‌داشتن مصنوعی قیمت حامل‌های انرژی به‌خصوص بنزین که میزان مصرف آن گاهی در طول روز از ۱۰۰ میلیون لیتر نیز فراتر می‌رود چنین تصمیمی بگیرد. قیمت بنزین را در ایران به شکلی تعیین کرده‌اند که مبلغی به خزانه دولت واریز نمی‌شود. از سوی دیگر قیمت سه هزار تومان برای هر لیتر بنزین به‌صورت آزاد حتی به‌اندازه قیمت تمام‌شده حمل بنزین نیز نیست. به همـــین دلیل دولت به این نتیجه رسیده که راهکارهایی را برای تأمین کسری بودجه خود و پرهیز از استقراض بانک مرکزی و چاپ اسکناس بدون پشتوانه به‌عنوان عامل اصلی تورم در نظر بگیرد. البته دروغی که دولت انتخاب کرده انتقادهای زیادی وجود دارد که برخی از این انتقادها به‌درستی صورت می‌گیـــرد اما بخش بزرگی از آن اشتباه است. شبکه‌های ماهواره‌ای در دامن زدن به این موضوع که در صورت منطقی شدن قیمت بنزین در کشور یک موج تورمی به وجود می‌آید نقش دارند. این در حالی است که قیمت بنزین در کشورهای اروپایی لیتری یک پورو و شصت‌ودوسنت است. با این وجود به شکلی این موضوع را به مردم ایران القامی کنند که اگر چنین اتفاقی رخ بدهد مردم با مشکلات زیادی مواجه خواهند شد. در طول سه سال اخیر قیمت بنزین و دیگر حامل‌های انرژی ثابت بوده است. این در حالی است که در همین زمان نرخ تورم در حالت خوش‌بینانه‌اش بالای ۴۵ درصد بوده است. به همین دلیل کسانی که قصد دارند افزایش نرخ تورم را به افزایش قیمت بنزین مرتبط کنند و بدین‌وسیله اقدامات خود را توجیه کنند به نتیجه نخواهند رسید. جریان‌های سیاسی خاصی که به نظر من از خارج از ایران هدایت می‌شوند برایند موج‌سوار می‌شوند و برای مردم تشویش ایجاد می‌کنند. این در حالی است که اگر میزان کسری بودجه دولت که دلیل اصلی تورم است کاهش پیدا کند به‌صورت طبیعی مردم از این وضعیت منتفع خواهند شد. در چنین شرایطی پول بدون پشتوانه و چاپ اسکناس یا کاهش پیدا می‌کند و یا اینکه متوقف خواهد شد. بنابراین نرخ تورم به‌جای اینکه بالا برود کاهش پیدا می‌کند.

اجرای این طرح چه پیامدهایی به همراه خواهد داشت؟

در حدود ۶۰ درصد میزان بنزین مصرفی مردم به‌صورت آزاد است و شامل حال طبقاتی می‌شود که بیش از یک اتومبیل دارند. من مواردی را مشاهده کرده‌ام که برخی خودروهای بزرگ حتی تا ۸۰ لیتر بنزین به‌صورت آزاد می‌زنند تا باک خود را پر کنند. پس‌ازاینکه بنزین زده شد صاحب خودرو علاوه‌بااینکه مبلغ ۲۴۰ هزار تومان مابه‌ازای بنزین پرداخت می‌کند ۲۰ هزار تومان نیز انعام به کارگر پمپ‌بنزین پرداخت می‌کند. درنتیجه یارانه‌ای که در این زمینه پرداخت می‌شود نه‌تنها نصیب اقشار پایین جامعه نمی‌شود و بلکه تورم مضاعفی رانیز به آنها تحمیل می‌کند. درنتیجه دولت نه‌تنها به‌واسطه این سیاست درآمد چندانی به دست نمی‌آورد و بلکه اقشار پایین جامعه به دلیل تزریق اسکناس با فشارهای بیشتری مواجه می‌شوند وزندگی برای این افراد غیرقابل ادامه خواهد شد. برخی جریان‌های سیاسی که دشمن واقعی توسعه صنعتی کشور هستند نیز ازاین وضعیت سوءاستفاده می‌کنند. جریان‌هایی که به نظر من از خارج از ایران هدایت می‌شوند تلاش کرده قیمت گاز طبیعی برای صنایع پتروشیمی که عملاً توانسته کمبود صادرات نفت ایران را جبران کند به ۸ سنت در هر دلار افزایش داده‌اند. این در حالی است که کشورهای حاشیه خلیج‌فارس و به‌خصوص عربستان سعودی بـــرای جذب سرمایه خارجی و ایجاد اطمینان در بین سرمایه‌گذاران قیمت را برای ۲۰ سال ثابت نگه‌داشته است. بر اساس مطالعات اخیر میزان ذخایر گازی ایران حتی از روسیه نیز بیشتر است که این وضعیت ذخایر گاز ایران را از حالت نسبی به مزیت مطلق تغییر داده است. دومین صنعتی که موفق شده کمبود صادرات نفت را جبران کند صنعت فولاد است که دومین منبع تأمین ارزی ایران است. با این وجود برخی تلاش می‌کنند اتفاقی که برای صنعت پتروشیمی رخ داد و مانع سرمایه‌گذاری داخلی و خارجی در این صنعت شد و درنهایت قیمت هر مترمکعب گاز طبیعی در ایران برای صنایع پتروشیمی را سه و نیم برابر منطقه خلیج‌فارس و شمال آفریقا کرد را درباره صنعت فولاد نیز دنبال کنند. توجیه این افراد نیز این است که قیمت گاز طبیعی ایران باید متناسب با گاز طبیعی در اروپا باشد. این اتفاق در حالی رخ می‌دهد که در مرحله نخست در اروپا منابع گاز قابل توجهی وجود ندارد و از سوی دیگر تولید فولاد در اروپا برمبنای استفاده از زغال‌سنگ است. در منطقه خلیج‌فارس و ایران تولید فولاد برمبنای گاز طبیعی صورت می‌گیرد. درنتیجه قیمت گاز طبیعی را برای صنایع فولاد و آلومینیوم، سیمان و کاشی که ازجمله کالاهای صادراتی ما هستند به‌اندازه‌ای افزایش دادند که عملاً سرمایه‌گذاری در این صنایع استراتژیک توجیه اقتصادی نداشته باشد. اقداماتی که درباره حامل‌های انرژی در ایران در حال رخ دادن است و افزایش شدید قیمت گاز طبیعی را از روی ناآگاهی نمی‌دانم و بلکه معتقدم این رویکرد نوعی توطئه علیه صنایع استراتژیک ایران است.

به چه دلیل و اهدافی این توطئه در حال رخ دادن است؟

فارغ از مسئله تضمین، چه عوامل دیگری را در زمره عوامل بازدارنده و پیش‌برنده احیای برجام در دور جدید مذاکرات می‌دانید؟

به نظر می‌رسد رفتارهای پارادوکسیکال از طرف غرب این است که برخی از طرف و همچنین رفتارهای پارادوکسیکال تهران، مسأله تحریم‌های آمریکا، هشدارهای آمریکا مبنی بر ترک میز مذاکره در صورت خرید وقت از سوی تهران، چنین توافقی نداشته و آن را مانند معاهده ترکمنچای ننگین و به مثابه دادن پاچ به کدخدا دانسته و می‌دانند. ضمن آنکه همین تفسیر با نگرش سبب شده است که اصول‌گرایان برجام را پروژه نفوذ غرب در کشور و بخشی از پازل سیاست‌های استعماری غرب در کشور بدانند. در واقع، برجام هراسی اصول‌گرایان از چنین نگرش‌هایی مایه می‌گیرد.

البته نگرش و سطح برداشت‌های اصول‌گرایان از برجام فقط یک بخش یا یک تکه از پازل‌های ساختاری است. ابعاد دیگر مشکلات ساختاری در ایران در سیاست احیای برجام، تصویب قانون اقدام راهبردی برای لغو تحریم‌ها و صیانت از منافع ملت ایران است. در واقع دولت رئیسی و دستگاه دیپلماسی متنوع او چنین مصوبه‌ای را به مثابه اهرمی برای موازنه وحشت و تهدید در قبال افزون طلبی‌های واشنگتن به کار می‌گیرد که نتایج آن عقب نشینی غرب یا همان بطئی شدن روندهای مذاکره است. البته این مشکلات ساختاری در ایران و جامعه سومی نیز دارد و آن منافقه ایران با آژانس بر سر اجرای داوطلبانه پروتکل‌های الحاقی یا همان پادمان هسته‌ای است. در واقع می‌توان گفت که میان سیاست احیای برجام و اجرای داوطلبانه پروتکل‌های الحاقی یک رابطه معناداری وجود دارد. قطعا در رهگذر اتخاذ چنین مواضعی، مقامات ایران از یک طرف کاهش تعهدات برجامی را به منظور موازنه تهدید در دستور کار قرار خواهند داد و در سطح دیگر ماموریت‌های نظارتی آژانس بر فعالیت‌های هسته‌ای در حد را کاهش و در نتیجه همکاری خود با آژانس را به بهانه افزون طلبی‌های غرب، به کمترین حد خود تقلیل خواهند داد. محققا این مواضع سخت برجامی نه تنها بر مناسبات تهران و تروئیکای اروپایی برجام تاثیر سو خواهد گذاشت، بلکه می‌تواند موجب فاصله گیری چین و روسیه از ایران در مناسبات برجامی شود، چرا که چه چین و چه روسیه در نزدیکی با ایران، منافع خود را در نظر می‌گیرند و اصل کلی و راهنمای عمل آنها در سیاست خارجی منافع ملی است. به ویژه روسیه که نشان داده است که اصل دشمنی‌ها و دوستی‌ها در یک ساختار آنارشیک نظام بین‌الملل پایدار نیست. وضعیت چین نیز در این قضیه همانند روسیه است و شی جینپنگ نشان داده است که در رابطه با همکاری با تهران، منافع خود را در نظر می‌گیرد.

فارغ از مسئله تضمین، چه عوامل دیگری را در زمره عوامل بازدارنده و پیش‌برنده احیای برجام در دور جدید مذاکرات می‌دانید؟

منظور از رفتارهای پارادوکسیکال از طرف غرب این است که غرب خواسته‌های فراجرامی واشنگتن و غرب از تهران و در شرایط حاضر نیز بیانیه مشترک چهار کشور کانادا، اوکراین، انگلستان و سوئد بابت سقوط هواپیمایی اوکراینی می‌تواند در زمره عوامل بازدارنده احیای برجام در دور جدید مذاکرات وین باشند.

منظور از رفتارهای پارادوکسیکال غرب و تهران چیست؟

منظور از رفتارهای پارادوکسیکال از طرف غرب این است که برخی هسته‌ای رسانه و فعالیت‌های او در پروژه‌های نطنز و فردو برای غرب نگران کننده شده است. تهران آنگونه که بهروز کمالوندی سخنگوی سازمان انرژی هسته‌ای گفته است، توانسته ۲۰ کیلو اورانیوم ۶۰ درصدی کرده اما همزمان به وضع جدیدی از تحریم‌ها دست می‌زند. در واقع رویکرد غرب در این زمینه سینوسی و پاندولی است و نمی‌تواند پیام سازنده‌ای را برای طرف مقابل یعنی تهران ارسال کند. از این طرف نیز تهران رفتاری مشابه رفتار غرب را در دستور کار قرار دارد. به این معنی که بر سر مبرا مذاکره است، ولی فعالیت‌های هسته‌ای خود را به مرحله گریز فعالیت موازی را در دستور کار قرار داده است. تهران با وجود آنکه در وین هسته‌ای رسانده و فعالیت‌های او در پروژه‌های نطنز و فردو برای غرب نگران کننده شده است. تهران آنگونه که بهروز کمالوندی سخنگوی سازمان انرژی هسته‌ای گفته است، توانسته ۲۰ کیلو اورانیوم ۶۰ درصدی

صلاح‌الدین هرسنی در گفت‌وگو با «آرمان ملی»:

هنوز هم مسائل فرابرجامی روند مذاکرات را مختل می کند

مسأله تضمین غرب به ایران کلید توافق است

رفتار غرب با ایران سینوسی است

آرمان ملی - علیرضا پورحسین: با وجود آنکه مذاکرات وین حول محور احیای برجام به دور هشتم خود رسیده است، اما مذاکرات بار دیگر به کندی پیش می‌رود. البته تردیدی نیست که به بار نشستن مذاکرات وین منوط به سیاست‌های احیای برجام است که چه ایران و چه غرب تلاش دارند طبق سیاست‌های خود بیشترین نتایج راهبردی را از رهگذر مذاکره در نشست‌های وین به دست آورند. در واقع همین سیاست‌های ناهمسو سبب شده است که ما شاهد تاخیر در نتایج و به بار نشستن مذاکرات باشیم. به این ترتیب و با توجه به رویکردهای ناهمسوی طرفین در احیای برجام، روندهای مذاکرات در برخی موارد پیش رونده و امیدوار کننده و در برخی موارد روند کند و ناامید کننده به خود گرفته است. در خصوص چرایی این امر، «آرمان ملی» گفت‌وگویی با دکتر صلاح الدین هرسنی، تحلیلگر مسائل بین‌الملل داشته است که در ادامه می‌خوانید.

کدام عامل بیش از همه باز دیگر باعث کند شدن روند مذاکره در نشست‌های وین جهت احیای برجام شده است؟

تا قبل از شروع دور جدید مذاکرات در وین یعنی مذاکراتی که از ۸ آذر ماه یعنی ۲۹ نوامبر آغاز شده بود، دستگاه دیپلماسی ایران از زبان سخنگوی وزارت امور خارجه اعلام کرده بود که یکی از شروط ایران مسأله تضمین است، به این معنی که دولت آمریکا باید تضمین دهد که دولت بعدی آمریکا که محتملا از حزب جمهوری خواه خواهد بود نتواند رفتارهای ترامپ بابت برجام یعنی خروج از برجام را تکرار کند. در شرایط حاضر در نگاه و باور من، یکی از عوامل بازدارنده پیش برنده مذاکرات وین، تداوم معضل تضمین است و همین تداوم معضل تضمین سبب می‌شود که ایران در مواضع و خواسته‌های برجامی خود سرسختی نشان دهد و مقاومت کند. البته مقاومت و مواضع سخت ایران بی‌دلیل نیز نیست، چرا که حاضر نیست دولتی از آمریکا بخواهد هزینه ایران در بهره برداری و استفاده از مزایای پیش بینی شده در برجام را افزایش دهد. در شرایط حاضر به نظر می‌رسد که تا واشنگتن و یا غرب یا همان اعضای تروئیکای اروپایی برجام، نتواند چنین تضمینی را به ایران بدهد، نمی‌توان انتظار داشت که ایران بخواهد با دادن امتیاز به غرب مذاکرات وین را یک گام به هدف و نتیجه نزدیک سازد. به جرات می‌توان گفت که مسأله تضمین غرب برای ایران، کلید حل سیاست احیای برجام در دور جدید مذاکرات وین خواهد بود.

در این برهه زمانی مشکل و مسأله تضمین چگونه حل خواهد شد؟

مشکل تضمین تابعی از سازوکارهای حقوقی است. در وضعیت حاضر، وضعیت سیاسی بیشتر از وضعیت حقوقی بر برجام سایه انداخته است. به عبارت دیگر، برجام بیشتر بار سیاسی دارد تا حقوقی و در شرایط حاضر برجام فاقد جایگاه ساختاری در ایالات متحده آمریکاست. مسأله تضمین متضمن گذار برجام از وضعیت سیاسی به وضعیت حقوقی است. به این معنی که اگر توافقی بخواهد به وضعیت حقوقی و پایداری برسد، مستلزم تصویب آن با دو سوم آرا در مجلس آمریکا در سنا هیچ موافقتی با برجام ندارند و در خط مقدم برجام ستیزی قرار دارند، چرا که نگرش آنها همسو با نگرش‌های ترامپ است و معتقدند که برجام بدترین توافق ممکنی بوده است که از سوی دولت دموکرات اوباما با ایران منعقد شد. سناتورهایی چون لینسی گراهام که سناتور ایالت کارولینای جنوبی است، تد کروز سناتور تگزارس و تام کاتن سناتور آرکانزاس در این دسته از سناتورها قرار دارند و کارشکنی‌های آنها حول محور برجام منحصر به فرد است. افزون بر این و از بعد حادثه، برخی از نمایندگان دموکرات مجلس سنا نیز با برجام مخالفت دارند. باب مننذز سناتور ایالت نیوجرسی، چاک شومر سناتور نیویورک و بن کاردن سناتور مریلند در زمره سناتورهای دموکرات مجلس سنای آمریکا قرار دارند که با برجام مخالف هستند. حال در شرایطی که سناتورهای برجام ستیزی از هر دوحزب در مجلس سنا حضور دارند، طبیعی است که برجام در شرایط گریز و ناپایداری قرار گیرد و نتواند به قانونی تبدیل شود که دولت بعدی یا دولت جانشین بتواند از آن خارج شود. بنابراین نرخ تورم به‌جای اینکه بالا برود کاهش پیدا می‌کند.

اجرای این طرح چه پیامدهایی به همراه خواهد داشت؟

متاسفانه بله. در ایران نیز مشکل ساختاری با نگرش‌های جریان‌های محافظه کار مرتبط است. در ارتباط با نگرش‌های سیاسی اصول‌گرایان در قبال برجام مسأله حائز اهمیت این است که اساسا اصول‌گرایان هیچ موافقتی با خواسته‌های فراجرامی واشنگتن و غرب از تهران و در شرایط حاضر نیز ندارند. من مواردی را مشاهده کرده‌ام که برخی خودروهای بزرگ حتی تا ۸۰ لیتر بنزین به‌صورت آزاد می‌زنند تا باک خود را پر کنند. پس‌ازاینکه بنزین زده شد صاحب خودرو علاوه‌بااینکه مبلغ ۲۴۰ هزار تومان مابه‌ازای بنزین پرداخت می‌کند ۲۰ هزار تومان نیز انعام به کارگر پمپ‌بنزین پرداخت می‌کند. درنتیجه یارانه‌ای که در این زمینه پرداخت می‌شود نه‌تنها نصیب اقشار پایین جامعه نمی‌شود و بلکه تورم مضاعفی رانیز به آنها تحمیل می‌کند. درنتیجه دولت نه‌تنها به‌واسطه این سیاست درآمد چندانی به دست نمی‌آورد و بلکه اقشار پایین جامعه به دلیل تزریق اسکناس با فشارهای بیشتری مواجه می‌شوند وزندگی برای این افراد غیرقابل ادامه خواهد شد. برخی جریان‌های سیاسی که دشمن واقعی توسعه صنعتی کشور هستند نیز ازاین وضعیت سوءاستفاده می‌کنند. جریان‌هایی که به نظر من از خارج از ایران هدایت می‌شوند تلاش کرده قیمت گاز طبیعی برای صنایع پتروشیمی که عملاً توانسته کمبود صادرات نفت ایران را جبران کند به ۸ سنت در هر دلار افزایش داده‌اند. این در حالی است که کشورهای حاشیه خلیج‌فارس و به‌خصوص عربستان سعودی بـــرای جذب سرمایه خارجی و ایجاد اطمینان در بین سرمایه‌گذاران قیمت را برای ۲۰ سال ثابت نگه‌داشته است. بر اساس مطالعات اخیر میزان ذخایر گازی ایران حتی از روسیه نیز بیشتر است که این وضعیت ذخایر گاز ایران را از حالت نسبی به مزیت مطلق تغییر داده است. دومین صنعتی که موفق شده کمبود صادرات نفت را جبران کند صنعت فولاد است که دومین منبع تأمین ارزی ایران است. با این وجود برخی تلاش می‌کنند اتفاقی که برای صنعت پتروشیمی رخ داد و مانع سرمایه‌گذاری داخلی و خارجی در این صنعت شد و درنهایت قیمت هر مترمکعب گاز طبیعی در ایران برای صنایع پتروشیمی را سه و نیم برابر منطقه خلیج‌فارس و شمال آفریقا کرد را درباره صنعت فولاد نیز دنبال کنند. توجیه این افراد نیز این است که قیمت گاز طبیعی ایران باید متناسب با گاز طبیعی در اروپا باشد. این اتفاق در حالی رخ می‌دهد که در مرحله نخست در اروپا منابع گاز قابل توجهی وجود ندارد و از سوی دیگر تولید فولاد در اروپا برمبنای استفاده از زغال‌سنگ است. در منطقه خلیج‌فارس و ایران تولید فولاد برمبنای گاز طبیعی صورت می‌گیرد. درنتیجه قیمت گاز طبیعی را برای صنایع فولاد و آلومینیوم، سیمان و کاشی که ازجمله کالاهای صادراتی ما هستند به‌اندازه‌ای افزایش دادند که عملاً سرمایه‌گذاری در این صنایع استراتژیک توجیه اقتصادی نداشته باشد. اقداماتی که درباره حامل‌های انرژی در ایران در حال رخ دادن است و افزایش شدید قیمت گاز طبیعی را از روی ناآگاهی نمی‌دانم و بلکه معتقدم این رویکرد نوعی توطئه علیه صنایع استراتژیک ایران است.

به چه دلیل و اهدافی این توطئه در حال رخ دادن است؟

یادداشت

رویای تحزب

کوروش الماسی
محقق و پژوهشگر

شفاف و کاربردی‌ترین هدف یک حزب سیاسی «مشارکت در» یا «تاثیرگذاری بر» فرایند تصمیم‌سازی و تصمیم‌گیری کلان کشور یا مناطق گوناگون یک کشور است. به عبارتی، «هدف کاربردی» هر حزب سیاسی، مشارکت در توان(قدرت) اجرایی مدیریت کلان است. اینکه فعالیت سیاسی از طریق احزاب به معنی نظام‌مند کردن رفتار سیاست‌ورزان و صاحب منصبان و اولویت اهداف جمعی بر اهداف فردی و جناحی در عرصه سیاسی است. به بیانی فعالیت حزبی در جوامعی که «خرد و اراده ملی (جمعی)» مبنای ساختار مدیریت کلان سیاسی باشد، معنی و کارکرد خواهد داشت. همان گونه که می‌دانیم در چنین جوامعی، ساختار مدیریت کلان سیاسی «تنه» مجری قانون اساسی به عنوان نقشه راه تحقق انواع نیازها، اهداف، خواسته‌ها/آرزوها و... (منافع ملی) همه شهروندان تحت حمایت حاکمیت است. اینکه در چنین جوامعی شهروندان برای بیان دیدگاه‌های خود نسبت به عملکرد کارگزاران و نهادهای گوناگون حاکمیتی به خیابان‌ها نمی‌آیند، به عبارتی سازوکار رای گیری جایگزین حضور در خیابانها شده است. بنیادی‌ترین نکته کاربردی و قابل فهم بودن انواع شیوه‌های مدیریت کلان سیاسی این است که این شیوه‌ها و راهکارها، بر اینه تعامل انسان‌ها با محیط زیست پیرامون در «زمان و مکان مشخص و نه برگرفته از تاریخ و مناقیدک»، هستند. سراسر تاریخ جوامع، انتقال قدرت سیاسی تنها از طریق انواع روش‌ها و ابزارهای سخت(خشونت‌آمیز) انجام شده است. دموکراسی محصول عصر روشنگری در اروپا، به‌عنوان میوه تحولات و توسعه علمی در عرصه‌های گوناگون به‌ویژه در حوزه‌های علوم انسانی و علوم اجتماعی است. به عبارتی، عصر روشنگری در اروپا بستر نگاه کاربردی به چیستی انسان و چیستی و ساختار زیست اجتماعی شد. بنابراین، دموکراسی به‌عنوان یک روش نوین حکمرانی مبتنی بر حاکمیت قانون، محصول نگاه زمینی، کاربردی، قابل فهم و قابل سنجش به انسان و نظام سیاسی مدیریت اجتماعی است. به عبارتی، «دموکراسی، قدرت را از اراده انسان‌ها جدا و زیستی مستقل به آن (قدرت) داد.» حکمرانی مبتنی بر دموکراسی به این معناست که افراد، گروه‌ها یا جناح‌ها برای «مدت محدودی» طی فرایند انتخابات، «پدیده مستقل قدرت» را به منظور اجرایی کردن برنامه‌ها و ایده‌های خود، در اختیار می‌گیرند. همانند توپ طلایی که به برگزیدگان فوتبال در اروپا اهدا می‌شود، اینکه توپ طلا برای مدت محدودی در اختیار برترین فوتبالیست‌ها قرار می‌گیرد. اگر تبیین فوق منطقی تلقی شود، آنگاه باید بپذیریم که حزب «محصول» ساختار سیاسی دموکراسی و «نه ایجاد کننده» ساختار دموکراسی است. می‌توان ادعا کرد که اصلی‌ترین دلیل انفعال و خنثی بودن احزاب، تحلیل شرایط داخلی مبتن